توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

شماره ۱۱۲ آبان ماه ۱۳۹۴ نوامبر ۲۰۱۵

toufan@toufan.org www.toufan.org

انقلاب اکتبرناقوس مرگ سرمایه داری بود

به مناسبت نود و هشتمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر سوسیالیستی شوروی

***

جنبش کارگری و سندیکائی ایران و خطر انحرافات چپ و راست از درون(۱)

.....

دردفاع از مبارزه معلمان ایران وقطعنامه پایانی معلمان در تجمع روز معلم

***

شکست امپریالیستهای غربی وبن بست سیاست تجاوزکارانه آنها درسوریه

***

مصاحبه با مسلم صالح رهبر حزب دمکراتیک متحد خلق- کردستان سوریه

***

اعلامیه حزب کارایران(توفان)

نابود باد رژیم صهیونیستی اسرائیل این چماق

دست امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه!

***

سخنی درمورد مفهوم صهیونیسم وتفاوتش با یهودی ستیزی

***

اعلامیه حزب کارایران(توفان)

فاجعه ای که رژیم فاشیستی اردوغان مسبب آن است

.....

اعلامیه حزب کارترکیه

اردوغان و دولت جنگ افروز او مسئول قتل عام در آنکارا است !

***

پیام تسلیت حزب کرایران(توفان) به رفقای حزب کارترکیه وگزارشی مختصر

***

شبح فاشیسم دراروپا درگشت وگذار است

***

گشت وگذاری در فیسبوک

پاسخ به چند پرسش

فرخنده باد انقلاب کبیر اکتبر

انقلاب اکتبرناقوس مرگ سرمایه داری بود

به مناسبت نود و هشتمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر سوسیالیستی شوروی

نود و هشت سال از انقلاب کبیر و دورانساز اکتبر روسیه می گذرد. برای اولین بار بشریت توانست دنیائی را پی ریزی کند که تا به آنروز تحقق آن به مغزکسی نیز خطور نمی کرد. در نود وهشت سال پیش بورژواها با تمسخر و کنایه، کمونیستها را خوشخیالانی به حساب می آوردند که در عالم رویا زندگی می کنند. می گفتند و تبلیغ می کردند و همانطور که امروز نیز چنین می گویند که جامعه آرمانی آنها تخیلی و غیر واقعی است. تاریخ همین بوده که هست و کسی را یارای تغییر سرنوشت محتوم بشری نیست. آنها کمونیستها را بی خدا خوانده و مسخره می کردند که این بی دینها می خواهند نقش خالق را بازی کنند و جامعه ای خلق کنند که تا کنون در تاریخ وجود نداشته است. ضد کمونیستها حتی امروز نیز همان توهمات را ایجاد کرده و به مسخره کمونیسم و سوسیالیسم می پردازند. دشمنان کمونیسم هرگز از مبارزه با کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم دست نکشیده اند و هر روز چون آفتاب پرستها به رنگی در می آیند تا بتوانند به بهترین وجهی با مارکسیسم لنینیسم مبارزه کنند. روزی از جانب راست می آیند، روزی لباس "چپ" به تن می کنند، روزی کارشناس و پژوهشگر آثار مارکسیستی شده و باستانشناسانه در پی تفسیرهای معیوب و ضد انقلابی و بی خطر برای سرمایه داری در مجموعه آثار کمونیستی بر می آیند و از این جهت مورد لطف بورژواها هستند که آنها را "دانشمند" و "پژوهشگر" خطاب کنند.فقط کافیست نگاهی به رسانه های خبری و سیاسی، بی بی سی و صدای آمریکا، دویچه وله وفرانسه و صدها رسانه ضد کمونیستی قد ونیم قد...بیاندازید تا پی ببرید که چپ های دعوت شده به میز مناظره در مورد مارکسیسم چه کسانی هستند. آنها فیلسوفان چپ ضد مارکسیسم لنینیسم و ضد دیکتاتوری پرولتاریا ،خرده بورژوا ها و توابانی هستند که با صدای بلند می گویند" اونی که بودیم نیستیم"، سوسیالیسم نقشه مند نمی خواهیم، حزب پیشرو و لنینیستی نمی خواهیم، ما پلورالیسم سیاسی و جامعه مدنی و آزادی بی قید وشرط می خواهیم، ما مخالف خشونتیم و شعار لغو اعدام پرچم ماست."...

چرا لنینیسم؟

زیرا **لنینسم** چیزی جز تفسیر انقلابی و تحول مارکسیسم در عصر زوال امپریالیسم نیست. لنینیسم ایده های اساسی مارکسیسم را که دشمنان وی آنرا تحریف می کردند و به طاق نسیان می سپردند از منجلاب اپورتونیسم و سازش طبقاتی بیرون کشید آنرا جلا داد و به همه نشان داد که مارکسیستهای واقعی چه کسانی هستند. رفیق استالین بود که پیروان لنین را مارکسیست لنینیست نامید و تنها تفسیر طبقاتی و انقلابی از مارکسیسم را پذیرفت. وی بود که نشان داد یا همراه با کمونیستها برای ساختمان جامعه سوسیالیستی در کشور واحد و یا همراه امپریالیستها و بورژواها با ندبه و زاری برای عقب نشینی و تقاضای بخشش از دشمن طبقاتی. وی بود که نشان داد تنها لنینیستها هستند که می توانند سوسیالیسم را متحقق کنند. انقلاب اکتبر ناقوس مرگ سرمایه داری بود. کسانیکه تا دیروز از دروغ بزرگ مارکس، توهم وی سخن می راندند و طبقه کارگر را به خو گرفتن و تن دادن به نظم موجود تشویق می کردند به ناگهان با تکانی از خواب بیدار شدند که به ده روزی که دنیا را تکان داد شهرت یافت. بلشویکها بیک خانه تکانی بزرگ در جهان دست زدند و از روسیه استبدادی و عقب مانده آغاز نمودند. آنها در راهی گام گذاردند که هیچ بشری قبل از آنها از این راه ناشناخته و نپیموده نرفته بود. آنها براهی می رفتند که در گامهای نخست نقشه ای از آن در دست نداشته و بر دانش تئوریک و تجربه شخصی خویش متکی بودند. کار آنها کاری بود کارستان. گامی بود کوچک برای تغییراتی بزرگ در جهان. آنها می رفتند تا جهانی بسازند که ساختمان آن تا به آن روز برای کسی قابل تصور نبود. عظمت کار بلشویکهائی نظیر لنین و استالین در این نکته نهفته است که شنیده ها و ندیده ها را به تجسم در آورند. استالین باید بعد از درگذشت لنین با الهام از لنینیسم به معمار بزرگ این نخستین تجربه تاریخ بشریت بدل می شد. بار عظیم این ساختمان انسانی در آن شرایط دشوار بدوش استالین افتاد. حقا که با سربلندی از این تجربه نخستین تاریخ بشری بدر آمد. خرده بورژواها، آنها که هیچگاه کمونیسم برایشان جدی نبوده است، آنها که تنها روشنفکرانه گپ و غر می زنند، آنها که اوج استعدادشان در ایرادگیری و پچ و پچهای درگوشی و منفی بافی است، آنها که در دریائی از اشتباهات سیاسی و ایدئولوژیک و خطاهای خصوصی و زنجیرعقب ماندگیهای فکری در ساده ترین گامهای زندگی گرفتار بوده اند و هستند با پرمدعائی خیال پردازانه ای بدنبال دستآوردهای بی عیب و نقص و انسانها ی خطا ناپذیر افسانه ای می گردند. جامعه آرمانی این خطا ناپذیران حقیقتا که جامعه ای رویائی با انسانهای رویائی و افسانه ای است. آنها بعلت کوری سیاسی از عظمت کاری که صورت گرفته است بی خبرند. مغز آنها محدود بوده و بیش از حیطه ایرادگیری های بنی اسرائیلی توان تفکر گسترده تری را ندارند. آنها هرگز قادر نخواهند بود سوسیالیسم را بسازند.

انقلاب اکتبر مشعل فروزانی بود که بر سر راه زحمتکشان و خلقهای تحت ستم جهان قرار گرفت. از آن تاریخ نهضتهای آزادیبخش از زیر نفوذ جریانهای مذهبی و بورژوائی بدر آمد و جنبشهای ملی به متحد بالقوه مبارزات پرولتاریائی بدل شد. تضادهای جهان با تضاد میان نخستین کشور سوسیالیستی و محاصره سرمایه داری تکمیل گردید. خصلت جهان کنونی تغییر کرد و تاثیرات عمیقی در جنبشهای اجتماعی بجای گذارد.

ساختمان سوسیالیسم وپیشرفتهای شگفت انگیز

لنین نتوانست نتایج انقلاب اکتبر را به چشم ببیند و این استالین بود که با اراده قدرتمند و دانش عظیم کمونیستی خویش، تحقق این امر مهم و استثنائی را بعهده گرفت. اقدامات استثنائی به رهبران استثنائی نیاز داشت. وی باید وظیفه ساختمان سوسیالیسم را بدوش می کشید. ساختمانی که نمونه آن تا به آنروز وجود نداشت. کسی نمی دانست آنرا چگونه باید ساخت و چگونه باید حفظ کرد. دشواری کار بحدی بود که رفیقان نیمه راه پیدا شدند و به ندبه و زاری دست زده از کار خود پشیمان گشته پیشنهاد تسلیم و عقب نشینی کردند. آنها برای عقب نشینی و خیانت خویش به تئوری سازی پرداختند و هر روز بیشتر بدامان ضد انقلاب و ضد لنینیسم غلتیدند. استالین معمار این ساختمان شد. وی با رهبری مدبرانه حزب و جامعه، همراه با فداکاری رفقای بلشویک حزبی و توده عظیم زحمتکشان به بنای این کار عظیم تاریخ دست زد. کاری که هیچ رهبری قبل از وی قادر به خلق آن نشده بود. این کار کارستان در میان دریائی از اخلال دشمنان صورت می گرفت تا ثابت کنند سوسیالیسم قابل تحقق نیست. بدون مالکیت مقدس خصوصی نمی شود چرخ اقتصاد را به گردش در آورد. آنها می گفتند مگر می شود بدون ارباب ، زمین را کاشت ، و بدون سرمایه دار و رئیس کارخانه ، کارخانه را به گردش در آورد. کارگران برای آنکه کار کنند به آقا بالا سر نیاز دارند. استالین باید با این تبلیغات و حتی توهمات توده ها مبارزه می کرد. خطر دشمن خارجی، خطر توطئه های داخلی، خطر یاس و سراسیمگی، خطر فرار از مشکلات و ترس از دشمن طبقاتی و ممارست، تجارب و توانائیهای آنها چون سایه سیاه و شومی بر شوروی سایه انداخته بودند و بر آنها تنها با تکیه بر حزبیت و نیروی فداکاری خلقهای شوروی و در درجه اول طبقه کارگر و شورو شوق وی میشد غلبه کرد. استالین به این امر مهم موفق شد. در دوران سی سال دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی جهان ناظر پیشرفتهای عظیم و شگفت انگیز شوروی شد. نه تنها چرخ تولید به گردش در آمد، سطح زندگی زحمتکشان شوروی ترقی کرد، بهداشت رایگان، آموزش رایگان، کار عظیم فرهنگی و هنری و ورزشی و ساختمانی و علمی از شوروی کشوری نمونه ساخت و به زحمتکشان جهان نشان داد که سوسیالیسم توهم نیست، تخیل نیست می تواند به واقعیت بدل شود. تولید بدون سرمایه دار بسیار سریعتر انجام می گیرد. انگلهای اجتماعی که کار نمی کنند ولی در تجملات زندگی می کنند برچیده شدند و به صف دشمنان سوسیالیسم افکنده شدند.
در نود وهشت سال پیش نظم نوینی در جهان پدید آمد. نظمی که از نظر اقتصادی به استثمار انسان از انسان پایان می داد و از نظر سیاسی ، طبقاتی را ، به قدرت می رسانید ، که مورد بهره کشی قرار گرفته و در زمره ستمکشان بودند. در نود وهشت سال پیش تاریخ به مرتجعین که زندگی در تجملات خویش را از بدیهیات می دانستند فرمان ایست داد و به زحمتکشان اعلام کرد توقف ممنوع! دیگر نمی شود به سبک و سیاق سابق مردم را به اسارت در آورد، مالکیت خصوصی را تقدیس کرد و با جنگهای خانمانسور میلیون انسان را آواره و بیچاره نمود. **در نود وهشت سال پیش در چنین روزهایی بلشویکها در روسیه قدرت سیاسی را به کف آوردند و تنها به این اعتبار که قدرت سیاسی اساس هر انقلاب و تحولی است، انقلابی که در روسیه صورت گرفت یک انقلاب سوسیالیستی بود.**

احیای سرمایه داری در شوروی وآموزش ازآن

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نخستین دولت و نظام سوسیالیستی درتاریخ بشریت، اولین پایگاه سرخ انقلابات کارگران و خلقهای ستمدیده سراسر جهان است و دفاع قاطعانه از لنینیسم و ساختمان سوسیالیسم همواره با نام رفیق استالین همراه می باشد. بیش از سی سال مبارزات خلقها و پرولتاریای اتحاد شوروی تحت رهبری استالین، حملات، تهاجم و محاصره امپریالیستها را درهم شکست، ترتسکیسم ورویزیونیسم را درهم کوبید و سرانجام با رهبری خرد مندانه ا ش ، فاشیسم هیتلری را نابود گردانید و بشریت را از این هیولا رهانید و ضربات جبران ناپذیری بر پیکر امپریالیسم جهانی وارد ساخت.مضمون اصلی سوسیالیسم یعنی دیکتاتوری پرولتاریا بر طبقات سرنگون شده و کوششهای جان سختانه آنان و به ثمر رسانیدن گذار جامعه سوسیالیستی به کمونیسم می باشد.
پس از مرگ رفیق استالین و کودتای رویزیونیستهای خروشچفی، اینان کمونیستهای بلشویک را در سراسر حزب منفرد و نابود گردانیدند، بر دیکتاتوری پرولتاریا این آموزش حیاتی مارکسیسم- لنینیسم با بیشرمی ووقاحت خط بطلان کشیدند، آنرا با "حزب همه خلق" و " دولت همه خلق" جانشین ساختند. تجدید نظر دراصول مارکسیسم – لنینیسم و بدست گرفتن قدرت سیاسی توسط رویزیونیستها، نشان داد که مبارزه طبقاتی بورژوازی منکوب شده علیه سوسیالیسم نه تنها پایان نیافته بلکه دراشکال نوین خود شدید تر، ظریفتر، محیلانه تر نیز میگردد، نشان داد که پرولتاریا هنوز در اوان انقلابا ت پرولتری سوسیالیستی گام بر میدارد و امکان بر گشت به عقب و احیای سرمایه داری وجود دارد.
انقلاب اکتبر می آموزد برای پیروزی درمبارزه انقلابی و بخاطر جلب توده ها و رهبری آنها در راه انقلاب سوسیالیستی ناگزیر باید رویزیونیسم و اپورتونیسم را درهم شکست. بدون پیکاری پیگیر و همه جانبه با انحرافات سوسیال دموکراتیسم، آنارکوسندیکا لیسم، اکونومیسم، ترتسکیسم و انواع و اقسام انحرافات خرده بورژوائی و ضد حزبی درمقیا س ملی و بین المللی امکان پیروزی پرولتاریا وجود نخواهد داشت. مبارزه با سرمایه داری وامپریالیسم از مبارزه با رویزیونیسم جدا نیست و نمی تواند باشد.در یک کلام بدون برخورد به دستآوردهای سی ساله دوران دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه، بدون برخورد به جریانهای ضد انقلابی تروتسکیستی و زینویفیستی و بوخارینیستی، بدون برخورد به نظریات ضد انقلابی خروشچف و اصلاحات اقتصادی کاسیگین و برژنف ادعا در مورد حمایت از انقلاب اکتبر و تجلیل از نود وهشتمین سالگی آن حرف پوچی است. تجلیل از انقلاب اکتبر آموزش از دستآوردهای آن و علل

شکست آن و بسیج کمونیستها برای مبارزه با رویزیونیستهای آشکار و پنهان است. اینست آنچه راه اکتبر میاموزد.انقلاب اکتبر، انقلاب کبیری بود که سیمای جهان را تغییر داد. جهان بعد از این انقلاب جهان قبل ازآن نبود.

زنده باد نود وهشمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!
مرگ بر فاشیسم ، سرمایه داری وامپریالیسم!
زنده باد مارکسیسم لنینیسم!

حزب کارایران(توفان)

سه شنبه ۵ آبان ۱۳۹۴ - ۲۷ اکتبر ۲۰۱۵

www.toufan.org

***

جنبش کارگری و سندیکائی ایران و خطر انحرافات "چپ" و راست از درون

برای شناخت و درک این انحرافات ضروری است که اشاره ای مختصر به تاریخ جنبش کارگری و سندیکائی داشته باشیم.
تاریخ جنبش سندیکائی ایران تاریخ انسانهای زحمتکشی است که طی ۱۱۰ ساله اخیر همواره در سنگر مقدم مبارزات آزادیخواهانه و استقلال طلبانه و عدالت پژوهانه مردم میهنمان رزمیده اند و نقش ارزشمندی در همه تحولات انقلابی و ضد امپریالیستی، از جنبش انقلاب مشروطیت گرفته تا جنبش ملی شدن صنعت نفت و انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ ایفاء کرده اند و در این راه هزاران قربانی داده و زندان و شکنجه و تبعید را تحمل کرده و همچنان استوار و پابرجا و قهرمانانه در نبردی هر روزه، با دشمنان طبقاتی و آزادی کش مقابله کرده و می کنند.

توجه به دو ویژگی در ارتباط با جنبش سندیکائی در ایران

الف – سرمایه داری در ایران در شرایطی در حال شکل گرفتن بود که جوامع پیشرفته سرمایه داری به مرحله نهائی خود یعنی امپریالیسم گام می گذاشتند. این همزمانی در گسترش مناسبات جامعه سرمایه داری و شکل گیری طبقه سرمایه دار در ایران تاثیر منحرف کننده ای نسبت به سیر کلاسیک و تاریخی داشت. روند انباشت سرمایه که در شکل معمول خود باعث رشد سرمایه صنعتی و ملی می شود با دخالت امپریالیسم در ایران باعث رشد بورژوازی تجاری و دلال(کمپرادور) و تضعیف بورژوازی ملی گردید. از دیگر تاثیرات منفی این ویژگی مقابله با دمکراسی بورژوائی و همدستی با نیروهای مرتجع داخلی و مقابله با جنبش کارگری و سندیکائی است. از همین روست که جنبش کارگری ایران در طول حیات خود الزاما در صف مقدم مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی و ترقی خواهانه قرار داشت.
ب – تفاوتهای جنبش کارگری و سندیکائی ایران با جنبشهای کارگری و سندیکائی در اروپا و آمریکا.
۱ – پیدایش سندیکاها و اتحادیه های کارگری ایران به قدمت خود طبقه کارگر است. همزمان با شکل گیری جنبش سندیکائی در میهنمان؛ اندیشه های مارکسیستی لنینیستی برای نخستین بار تبلیغ و ترویج شدند و جنبش سندیکائی از این ترویج کاملا تاثیر گرفت و هنوز نیز می گیرد.
۲ – سیر تکامل جنبش سندیکائی ایران بر خلاف سیر تکاملی جنبش اتحادیه ای در اروپا و آمریکاست.
در ایران جنبش سندیکائی از همان آغاز همواره تحت تاثیر و در پیوند با جنبش کمونیستی بوده و از رهبری و هدایت اصولی آن برخوردار بوده است و به همین دلیل گرچه که اساسا جنبش سندیکائی یک سازمان حرفه ای بوده و از منافع صنفی طبقه کارگر دفاع می کرده است؛ ولی به هیچ وجه فعالیتش محدود به دفاع از منافع بلافصل اقتصادی کارگران نبوده است و دارای خصلتی انقلابی و طبقاتی بوده و در جنبش ضد استبدادی و دمکراتیک مشروطیت و جنبش ملی کردن صنعت نفت و انقلاب ۵۷ نقشی موثر و تعیین کننده ایفاء نموده است. این خود یکی از ویژگیهای جوامع استبدادی است که در آن کلیه حقوق صنفی طبقه کارگر لگدمال می شود و هر خواست صنفی این طبقه، با نیروی ارتجاع حاکم سرکوب می گردد. به علت فقدان حداقل حقوق دموکراتیک بورژوائی هر بر آمد طبقه کارگر در مسیر خود سیاسی گشته و خود را نه با سرمایه دار بطور خاص، بلکه حتی با دولت سرمایه داری نیز روبرو می بیند.
سندیکاهای انگلیس که در اوایل قرن ۱۸ میلادی بوجود آمدند و به تریدیونیون مشهورند، در ابتدا فقط کارگران متخصص را به عضویت می پذیرفتند و صندوق کمک متقابلی تشکیل داده بودند و مبارزه آنها برای این بود که کارشان را از دست ندهند. بعدها در سالهای ۳۰ قرن ۱۹ کارگران غیر متخصص را هم به عضویت پذیرفتند، ولی تریدیونیون ها همواره فعالیتشان محدود به دفاع از منافع اقتصادی بود. در فرانسه سندیکاها در پایان قرن هجدهم و در آلمان در اواسط قرن نوزدهم و در آمریکا اوایل قرن نوزدهم پایه گذاری شدند. در این زمان هنوز احزاب سیاسی طبقه کارگر ایجاد نشده بودند و سندیکاها تحت تاثیر خط مشی سیاسی بورژوائی قرار داشتند و در مرداب اکونومیسم دست و پا می زدند و بر پایه سنن ترید یونیون های انگلیسی عمل می کردند. احزاب سیاسی کارگری اروپا و آمریکا در واقع محصول پیدایش سوسیالیسم علمی و پیوند آنها با جنبش طبقه کارگر و جنبش اتحادیه ای آنها بودند.

دوران پیدایش اتحادیه های کارگری از ۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰

در دهه قبل از انقلاب مشروطیت، سالانه دهها هزار کارگر و کشاورز بی زمین و تولید کننده خرد در جستجوی کار به مناطق نفت خیز قفقاز و بخصوص شهر باکو که مرکز صنایع نفت روسیه بود مهاجرت کردند. کارگران ایرانی در آنجا با افکار انقلابی و سازمانهای کارگری و طرز مبارزه و فعالیت آنها آشنا شدند و در مبارزات سندیکائی و انقلابی کارگران باکو نقش مهمی بازی می کردند. عده ای از آنها بعد از شکست انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و اعتصابات صنایع نفت باکو، به دستور سازمان سوسیال دمکراسی انقلابی ایران(همت) برای شرکت در جنبش مشروطه خواهی و ایجاد سازمانهای سوسیال دمکراسی انقلابی در شهرهای مختلف ایران و پایه ریزی اتحادیه های صنفی به ایران مراجعه نمودند. در سال ۱۲۸۵ برای نخستین بار اتحادیه کارگران چاپخانه در تهران تشکیل شد. اتحادیه های کارگران پست و تلگراف، کارگران برق، شرکت ماهیگیری لیازانوف و باربران بندر انزلی، کارگران صیاد، خیاط ها، نجارها، آهنگران، نساجان و معلمان و کارگران نفت جنوب و بعدها شرکت نفت ایران و انگلیس و نساجی وطن و شورای مرکزی اتحادیه ها بوجود آمد که ارگان آن روزنامه "حقیقت" به سردبیری رفیق پیشه وری (از اعضاء کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به رهبری حیدر خان عمواوغلی) بود و کارگران کمونیست در همه این اتحادیه ها فعال بودند. از رهبران اتحادیه های کارگری عضداله اصلانی(کامران) عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، مشهدی ابراهیم، استاد غلامحسین نجار، محمد تنها، علی شرقی، مرتضی حجازی، انزابی و صادق پور در زندان رضا شاهی فوت کردند.

دوران شکوفائی جنبش کارگری و سندیکائی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲

در دهم مهر ماه سال ۱۳۲۰ "حزب توده ایران" به عنوان ادامه دهنده راه "حزب کمونیست ایران" و با شرکت اعضائی از حزب کمونیست ایران و گروه ۵۳ نفر که به رهبری رفیق دکتر تقی ارانی بوجود آمده بودند، تاسیس یافت. این کمونیستها از دست جلادان رضا خان جان بدر برده بودند. "حزب توده ایران" کمک موثری به احیاء و تشکیل اتحادیه های کارگری، تمرکز و رهبری ایدئولوژیک آن می نماید. در سال ۱۳۲۳ "شورای متحده مرکزی اتحادیه ها ی ایران" با ۳۰۰۰۰۰عضو از تجمع چهار مرکز سندیکائی از جمله سندیکای کارگران نفت خوزستان تشکیل می شود و به وحدت کامل جنبش کارگری ایران تحقق می بخشد. شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ارگان خود را به نام "ظفر" منتشر می کند و به عنوان مهمترین و متشکلترین مرکز سندیکائی ایران و خاورمیانه تا آن زمان محسوب می شود. در سال ۱۳۲۵ تعداد اعضاء شورای متحده مرکزی به بیش از ۴۰۰۰۰۰ نفر می رسد و در شهریور ماه همین سال به عضویت رسمی فدراسیون سندیکای جهانی به دبیر اولی رضا روستا در می آید. در سال ۱۳۲۷ بعد از یورش به شورای متحده کارگری و غیر قانونی کردن آن و محکومیت غیابی شش نفر از رهبران آن به اعدام، با سازماندهی نیمه مخفی و متناسب با شرایط خفقان به فعالیت خود ادامه می دهند. جنبش سندیکائی از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ رونق خود را مجددا از سر می گیرد و نقشی اساسی در جنبش ملی کردن نفت و مبارزه با امپریالیسم انگلیس و آمریکا بازی می کند

دوران سرکوب و رشد مجدد از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷

بعد از کودتای ضد ملی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلیس و عمال داخلی آنها و ارتش و اوباش و روحانیت(به رهبری آیت اله کاشانی) سندیکاهای کارگری سرکوب می شوند. جنبش کارگری ولی به شکل گسترده اما متفرق به فعالیت ادامه می دهد. از اعتصابات کارگران نفت مسجد سلیمان و آغاجاری و کارگران بندر شاهپور و کارگران خط لوله نفت خارک و ۱۲ هزار راننده تاکسی در تهران و کارخانه نساجی وطن در اصفهان که در آن ده نفر از کارگران کشته و مجروح شدند و اعتصاب ۳۰ هزار کارگر کوره پزخانه های تهران که طی آن ۵۰ نفر کشته و عده زیادی زخمی و صدها نفر زندانی شدند، میتوان فقط به عنوان نمونه هائی از هزاران مورد اعتصاب که در این دوران سازماندهی شد، یاد کرد.

یکی از عوامل دیگری که علاوه بر کودتای ۲۸ مرداد نقش بسیار منفی در تضعیف جنبش کارگری در این دوران داشت انشعاب در جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و در جنبش کمونیستی ایران، در نتیجه کسب قدرت سیاسی توسط خروشچفیستهای بورژوا بروکرات در اتحاد جماهیر شوروی بود که متاسفانه اکثریت اعضاء رهبری "حزب توده ایران" نیز به تبعیت کورکورانه و در تحت تاثیر اعتبار بی نظیر شوروی که تا آن دوران به پاس دوران رهبری رفیق استالین کسب کرده بود، با بروز این تحول منفی به رویزیونیسم درغلطیدند. البته این تجدید نظر در اصول عام مارکسیسم لنینیسم در جایگزین کردن "حزب تمام خلق" به جای حزب طبقه کارگر و "دولت تمام خلقی" به جای دیکتاتوری پرولتاریا و "گذار مسالمت آمیز" به جای انقلاب و "همزیستی مسالمت آمیز" میان طبقات به جای مبارزه قاطعانه با ارتجاع و امپریالیسم جهانی و حمایت از جنبشهای ضد امپریالیستی و جنبشهای کارگری در عرصه جهانی، "مسابقه مسالمت آمیز" در عرصه اقتصادی میان دو نظام به جای تشدید مبارزه طبقاتی و سیاسی، استفاده از انگیزه های مادی در افراد به بهانه افزایش تولید و... و همه و همه تحت عنوان تکامل خلاقانه مارکسیسم لنینیسم و انطباق سوسیالیسم بر شرایط موجود بود که سرانجامش همان کشورهای "سوسیالیستی" واقعا موجود شدند. "سوسیالیسم واقعا موجود"، یعنی بورژوازی نوخاسته جای مارکسیسم لنینیسم را گرفت.

در واکنش به این انحراف به راست ضد کمونیستی از یک سو، تحت تاثیر انقلاب کوبا و جنبش چریکی شهری، انحراف به "چپ" و تجدید نظر طلبی در اصول مارکسیسم لنینیسم توسط عملیات چریکی مسلحانه شهری و جایگزین کردن مبارزه سیاسی و اجتماعی توده

ای- از کارگران گرفته تا دهقانان و زحمتکشان و خرده بورژوازی انقلابی- با مبارزه مسلحانه "پیشگامان مسلح" و "موتور کوچک" و اینبار نیز تحت عنوان تکامل و به روز کردن مارکسیسم لنینیسم، از جانب دیگر بروز کرد. رویزیونیسم "چپ" واکنش نسبت به رویزونیسم خروشچفی بود که نتوانسته بودند از نظر تئوریک آنرا توضیح دهند و در مبارزه ایدئولوژیک جهانی شرکت داشته باشند. به همین جهت نیز این مبتلایان به رویزیونیسم "چپ" همیشه به صورت بیمار باقی ماندند و همواره تحت تاثیر القائات حزب توده و شوروی که آنرا کشور سوسیالیستی جا می زدند باقی ماندند و فروپاشی شوروی که برای آن توضیحی نداشتند به ارتداد آنها منجر شد. هنوز جنبش کمونیستی از ضربه رویزیونیسم خروشچفی سالم بیرون نیامده بود که با بروز رویزیونیسم چینی و طرح "تئوری سه جهان" توسط دن سیائو پینگ و همکاری حزب "کمونیست چین" با امپریالیستهای غربی روبرو شد. این عوامل مجموعا تاثیرات مخرب خود را در ایجاد شکاف در جنبش کمونیستی و جنبش کارگری ایران گذاشت و مانع شد تا مدافعان حقیقی ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم که در "سازمان مارکسیست لنینیستی توفان" تحت رهبری رفقا قاسمی و فروتن گرد آمده بودند و در واقع ادامه دهندگان راه سوسیال دمکراسی انقلابی ایران و حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران در دو دهه اول حیات انقلابی خود بودند، بتوانند به موقع جنبش کمونیستی را از این سردرگمی رهائی بخشند و از صدمات رویزیونیسم در انقلاب بهمن مصون بمانند. **ادامه دارد**

***

قطع نامه پایانی تجمع شانزدهم مهرماه ۱۳۹۴ به مناسبت روز جهانی معلم

به دنبال صدور اطلاعیه ی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان کشور مبنی بر برگزاری تجمع معلمان در سراسر کشور به منظور اعلام خواسته های صنفی و به بهانه روز جهانی معلم، معلمان سراسر کشور صبح روز پنجشنبه شانزدهم مهرماه در مقابل ادارات کل آموزش و پرورش مراکز استان ها و ادارات آموزش و پرورش شهرستانها تجمع کردند و معلمان کشور علیرغم احضارها، فشارها و تهدیدهای متعدد از سوی نیروهای سرکوبگر و فرهنگ ستیز امنیتی، استقبال گسترده ای از این تجمع به عمل آوردند. بر اساس گزارش های دریافتی ، این تجمعات در تهران، کردستان، کرمانشاه، همدان، مازندران، خوزستان و بسیاری از شهرها و استانهای دیگر برگزار شده است. قطع نامه پایانی زیر از طرف شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان در همان روز پنجشنبه شانزده مهر منتشر شده است:

.....

امروز، ما فرهنگیان استان... همراه و هماهنگ با معلمان سراسر کشور، طبق اصل ۲۷ قانون اساسی گردهم آمده ایم تا به بی توجی های دولت و مجلس به خواسته های فرهنگیان کشور و برخورد قهری قوه قضائیه با فعالان صنفی، با سکوت خود اعتراض کنیم.

با وجود پافشاری بخشی از بدنه آموزش و پرورش مبنی بر بزرگداشت روزجهانی معلم در دوشنبه ۱۳ مهر، تشکل های صنفی فرهنگیان، تصمیم گرفتند به منظور نشان دادن حسن نیت خود و جلو گیری از تعطیلی کلاس های درس، این مناسبت را با سه روز تاخیر، در روز پنجشنبه ۱۶ مهر برگزار نمایند.

در میان مطالبات متعدد گروه ها، احزاب، جمعیت ها و اصناف، خواسته های عدالت خواهانه ی صنفی، مطالبه ای بدیهی است که فلسفه حکومت ها براساس آن بنا می شود. بی توجهی به تنظیم، اجرا و نظارت بر قوانینی که نظامی عادلانه بر حقوق و مزایای عموم کارکنان دولت برقرار کند، توسط جامعه فرهنگیان کشور قابل اغماض و چشم پوشی نیست. قوای سه گانه کشور هر کدام به شیوه ای به حاکمیت این روند تبعیض آلود و ناعادلانه کمک کرده اند، پر واضح است که این امر مسبوق به چندین دهه سابقه است و صرفا منحصر به این دولت نیست.

دولت فعلی که با شعارهایی نظیر تنش زدایی در روابط خارجی، مهار تورم، توجه به بخش آموزشی و بهداشت، میدان دادن به تشکلهای مدنی، حذف نگاه امنیتی به اعتراضات و انتقادات و... به روی کار آمد، در حوزه هایی که مربوط به جامعه فرهنگیان بود عملاً تغییری را رقم نزد. افزایش ناچیز بودجه آموزش و پرورش، برقراری نگاه امنیتی به اعتراضات صنفی، ادامه روند محدود کردن فعالیت تشکل ها ی صنفی و فشار بر این فعالان، توسط نهادهای امنیتی وابسته به دولت و تعامل معامله گونه تیم مدیریتی وزارت متبوع با نمایندگان مجلس چهره ای مطلوب از دولت در بین فرهنگیان ترسیم نکرده است. در حالی که جامعه معلمان کشور پس از عبور از سال های سخت گذشته، به تدبیر این دولت امیدها بسته بودند.این دولت نقشه راه و برنامه مشخصی برای برقراری عدالت در حقوق ومزایا و رفع تنگناهای فرهنگیان کشور ندارد. اجرای نظام رتبه بندی که با تبلیغات گسترده دولت همراه بود، علاوه بر اینکه درصد مهمی از فرهنگیان کشور را شامل نمی شود قابلیت رفع تبعیض در حقوق و مزایا بین سایر کارکنان دولت با فرهنگیان را ندارد.انتظار جامعه فرهنگیان کشور از دولت این است که نظامی عادلانه برای حقوق و مزایای کلیه کارکنان دولت طراحی و اجرا کند، سپس رتبه بندی به عنوان یک امتیاز برای شغل معلمی در نظر گرفته شود تا ضمن جذب افراد توانمند به این شغل انگیزه مطالعه، تحقیق و تلاش را در بین آموزگاران تقویت نماید.

دولت یازدهم تا کنون دو لایحه بودجه به مجلس ارائه داده است که در هر دوی آنها، بر خلاف وعده های رئیس جمهور محترم، نشانه ای از توجه ویژه به بخش آموزش دیده نمی شود. دولت در سال ۹۴ با وجودی که در برخی وزارت خانه ها، بودجه افزایشی ۷۰ درصدی را رقم زد در حوزه آموزش و پرورش سیاست دولت قبل را ادامه داد، به گونه ای که رشد بودجه ی آموزش و پرورش کمتر از نرخ رشد تورم شد.

هم اینک دولت محترم در حال تدوین بودجه کشور برای سال آینده است. همچنانکه حمایت گسترده جامعه میلیونی فرهنگیان کشور در روی کار آمدن این دولت اثری تعیین کننده داشت، طبیعی است در صورت بی توجهی به حقوق مادی و معنوی ایشان، به ادامه ی این روند تبعیض آلود رای نخواهند داد.

اغلب نمایندگان مجلس در این دوره و دوره های قبل در برابر تبعیض های ناروا که امروز نایب رئیس مجلس آن را بی عدالتی شفاف در حقوق فرهنگیان میدانند، سکوت کرده اند.
آنها بارها ضرب وشتم معلمانی را دیدند که برای دادخواهی به مجلس روی آورده بودند، اما متاسفانه با سکوتشان، سیاست های تبعیض آمیز قوه مجریه و قوه قضائیه را تأیید کردند و به معلمان کشور پیام دادند که در این خانه جایی برای شما نیست.
تقریبا جایی در جهان نمی توان یافت که افرادی را که به مدنی ترین شیوه ممکن اعتراض صنفی خود را اعلام می کنند، با برچسب اتهامات امنیتی بازداشت کنند و زندان های طویل المدت برای آنها صادر نمایند.رفتار قوه قضائیه با معلمان کشور، نه تنها در جهان بی بدیل است بلکه هیچ جایگاهی نیز در آموزه های دینی ندارد. جای بسی تاسف است که بدترین برخورد با معلمان، در کشور ی صورت می گیرد که ارزشمندترین و فاخر ترین توصیه های دینی در باب حفظ حرمت و جایگاه آنها بیان شده است.
ظاهراً در این آب و خاک، اعتراض و انتقاد به عملکردهای ناصواب، گناهی نابخشودنی است. گویا در قوه قضائیه صدای مظلومیت فرهنگیان شنیده نمی شود، هر معلمی که بنابر وظیفه ی ذاتی خود، از حقش دفاع کند،پاسخش را با آرای قضایی و زندان دریافت می کند.قوه ی قضائیه که باید دست ما را بگیرد و در برقرار ی عدالت یاریگر ما باشد و گرد ستم از چهره ی فرهنگ و فرهنگی بزداید، دست رد بر سینه آنها میزند و در تکمیل عملکرد سایر قوا و نهاد نظامی خاص، در گوشه سلول مان می نشاند تا سزای عدالت خواهی را در این مملکت به همگان بنمایاند.
بر همین اساس و در جهت بهبود و اصلاح سیستم آموزشی کشور، اهم خواسته های جامعه ی فر هنگیان به شرح ذیل اعلام می گردد :

۱_ حق تحصیل رایگان طبق اصل سی قانون اساسی و توقف خصوصی سازی مدارس
۲_ رفع تبعیض های ناروا بین کارکنان آموزش و پرورش با سایر کارکنان دولت
۳_ همترازی سطح حقوق باز نشستگان (بخصوص بازنشستگان سنوات قبل) با شاغلین
۴_ ارائه بیمه درمانی و تکمیلی در شأن جامعه فرهنگیان
۵_ رفع هرگونه تبعیض در اجرای دقیق و عملیاتی نظام هماهنگ پرداخت، ازجمله بند ۵ ماده ۶۸ قانون خدمات کشوری.
۶_ اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد فرهنگیان و پرداخت سریع و کامل پاداش بازنشستگی
۷_ رفع کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه همکاران فرهنگی زن مانند حق عائله مندی
۸_ حذف فضای امنیتی از آموزش و پرورش کشور
۹_ پایان اعمال فشار علیه کانون های صنفی فرهنگیان و رفع موانع موجود در مسیر فعالیت کانون های صنفی معلمان و همکاری در جهت برگزاری هرچه سریعتر مجامع عمومی این تشکل ها
۱۰_ آزادی هرچه سریعتر فعالان صنفی آقایان : بداقی،عبدی ، باغانی ، هاشمی و بهشتی و توقف اجرای احکام صادر شده علیه ایشان

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان

شکست امپریالیستهای غرب به سرکردگی آمریکا ومتحدینشان در سوریه و بن بست سیاست تجاوزکارانه آنها

مزدوران وارداتی به سوریه حدود پنج سال است که با حمایت امپریالیستها به غارت و تجاوز و تخریب مشغولند. آنها در مراکز شهرهای بزرگ نظیر حلب و دمشق بمب می گذارند و خانه های مردم را ویران می کنند. این مزدوران وارداتی را سازمانهای امنیتی امپریالیستی از طریق عربستان سعودی و قطر بسیج کرده و به سوریه برای جنایتکاری ارسال کرده اند. امروز دیگر هویت آنها به نحو غیر قابل انکاری تا حدود زیادی روشن شده است. آنها ترکیبی از القاعده، اخوان المسلمین، سلفیستها، اتباع افغانستان، لیبی، اردن، عربستان سعودی، قطر، دوبی، مصر، چچن، چین، لبنان، مجاهدین ضد خلق از ایران و... هستند. نقش دولت ترکیه درحمایت مادی ومعنوی از داعش واپوزیسیون ارتجاعی وخود فروخته سوریه بر کسی پنهان نیست، اظهرمن الشمس است. اوضاع بقدری بلبشو و غیر قابل کنترل شده است که حتی پاره ای از دول امپریالیستی از ارسال اسلحه به دست اپوزیسیون خود فروخته سوریه هراس دارند، زیرا خودشان هم دیگر نمی دانند که "کی به کی" است و این اسلحه ها به دست چه کسانی می رسد و به چه منظوری از آنها در آینده استفاده خواهند کرد.
آنها تلاش کردند که با اشغال مناطقی در داخل خاک سوریه به خیال خودشان "مناطق آزاد" خلق کنند و با استقرار در آنجا و معرفی خویش به عنوان "دولت مشروع سوریه" پایگاهی برای تخریب و جنایت درمنطقه شوند. دول اردن و ترکیه بسیار به آنها برای تحقق این سیاست یاری رساندند که با شکست کامل روبرو شد. حتی وضعیتِ مسخره به صورتی است که پاره ای از دولتهای دست نشانده و ارتجاعی، این اپوزیسیونِ خودفروخته و بی پایگاه را به عنوان "دولت قانونی" بی تاج و تختِ سوریه برسمیت شناخته اند.
"ارتش آزاد سوریه" در همه مناطق سرکوب شده است. دولت سوریه با بسیج مردم و ایجاد گروه های مسلح مردمی دمار از روزگار مزدوران اجانب در داخل سوریه در آورده است. وضعیت روز به روز بیشتر به نفع حکومت سوریه که در مستبد بودن آن نباید شک کرد، بر می گردد. دولت اسد از استقلال ملی سوریه و اصل حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورش دفاع می کند و این دفاع از نظر همه نیروهای دموکرات و انقلابی مشروع است. اجانب حق ندارند از خارج برای کشوری حکومت تعیین کنند.
امپریالیستها به این پندار واهی گرفتار بودند که با ایجاد رعب و ترور و قتل معترضان در سوریه و صحنه سازیهای انقلاب مخملی و ایجاد آشوب توسط ماموران نفوذی خویش، قادر خواهند بود یکشبه دولت سوریه را که مانند صدام حسین متکی بر حزب بعث بود و با روش استبدادی حکومت می کرد، سرنگون کنند. این سیاست به چند دلیل با شکست روبرو شد. تجاوزات صهیونیستها و امپریالیستها و ارتشهای خارجی به صورت نظامی و غیر قانونی به خاک سوریه به مصداق "آب که از سر ما گذشت چه یک نی چه صد نی" ناشی از این شکست است.
مقاومت بشار اسد و ارتش سوریه و استقامت دستگاه اداری وی، علیرغم وجود جاسوسان و عوامل نفوذی در دولت، محکم باقی ماند و از تهدیدات و ترورها، خریدن مزدوران نهراسید و فرونپاشید. هرچه تروریسم امپریالیستی جهادیستها بیشتر طول کشید، به همان نسبت به قدرت و اعتماد به نفس دستگاه حاکم افزوده شد و از اعتماد به نفس اپوزیسیون خود فروخته که در بین خودش نیز وحدت ندارد کاسته گردید. حملات اخیر روسیه به پایگاههای تروریستی دولت آدمخوار خلافت اسلامی داعش ومزدوران وارداتی که بنا به درخواست دولت سوریه صورت گرفته و می گیرد برای حفظ موجودیت سوریه و تمامیت ارضی این کشور مثبت است و نقشه های شوم امپریالیستهای غرب برای سرنگونی رژیم بشاراسد و تقویت عربستان و اسرائیل و ترکیه در منطقه را نقش بر آب می کند. تبلیغات دروغین رسانه های غربی درمورد حملات هوایی روسیه به پایگاه های تروریستی وارداتی و "کشتار مردم بیگناه " دیگر کارساز نیست باعث بی آبرویی بیشتر ممالک مدعی حمایت از حقوق بشر بویژه امپریالیسم آمریکا می شود.این جانیان آدمخوار که خود را مخالف تروریسم و آدمکشی جا می زنند امروز دستشان در سوریه رو شد و به مخالفت به حملات هوایی روسیه دست زده اند. زیرا قرار نیست مبارزه با داعش و تروریستهای وارداتی با دخالت دولت قانونی بشاراسد و همکاری با همه ممالک و نیروهای مخالف با تروریسم صورت گیرد. غرب امپریالیست هدفش مبارزه با تروریسم و ریشه کن کردن این وحوش آدمخوار عهد عتیق نیست، بلکه سرنگونی دولت مستقل و سکولار سوریه است. روزنامه ها فاش ساختند که مراکز آموزش تروریستها توسط نیروی هوائی روسیه بمباران شده است. این حقیقت را حتی سازمان جاسوسی سیا نیز مورد تائید قرار داد. دولت روسیه فاش ساخت که با تمام نیروهای تروریستی با هر نقابی که باشند مبارزه می کند. تروریسم، "خوب" و "بد" ندارد. امپریالیسم آمریکا از تروریستهای "خوب" به عنوان کاتالیزاتور استفاده می کند. آنها را در اردوگاههای سازمان سیا در غرب سوریه آموزش نظامی و خرابکاری می دهد، آنها را با اسلحه مجهز می کند و آنها پس از اتمام دوره های آموزشی، بعدا دسته دسته به تروریستهای "بد" می پیوندند. این دسیسه با بمباران مناطق تروریست خیز و تروریست ساز آمریکائی متلاشی شد.

شایان توجه است که بخشی از اپوزیسیون ملی سوریه که مخالف رژیم اسد بودند به مخالفت با دخالت خارجی برخاستند و خط خویش را از مزدوران بیگانه که هدفشان فقط ایجاد رعب و وحشت و آشوب است جدا کردند. این اپوزیسیون مترقی و دموکرات بدرستی تشخیص داد که امر دفاع از استقلال ملی در درجه نخست اهمیت قرار داد و سایر تضادها را تحت الشعاع قرار می دهد. عقربه ساعت به ضرر استعمارگران کهنه کار غرب به گردش درآمده است. وظیفه نیروهای آگاه و مترقی است که نوک حمله را بسوی آدمخواران ضد بشر داعش و تروریستها، این لشگریان پیاده نظام غرب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا نشانه گیرند واز حق حاکمیت ملی سوریه و تمامیت این کشور حمایت کنند. کمونیستهای واقعی سوریه در این شرایط نه با توسل به تز ارتجاعی و ترتسکیستی "مبارزه علیه

دو قطب ارتجاعی اسد و داعش" بلکه برافراشتن پرچم مبارزه علیه اجانب و دفع دشمن خارجی می توانند به حل تضادهای طبقاتی داخلی بپردازند. با آموختن از فجایع کشورهای لیبی و عراق و افغانستان می توان جلوی فاجعه ضد بشری در سوریه را گرفت و طبقه کارگر و زحمتکشان را قدم به قدم برای انقلاب کارگری و سوسیالیستی آینده آماده کرد.
اپوزیسیون خودفروخته ایران نیز همین سیاست را دنبال می کرد و برای مردم ایران آرزوی سرنوشت مردم سوریه را داشت. آنها مدعی بودند در صورت تجاوز آمریکا، اسرائیل و ناتو به ایران باید "جبهه وسیع سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" را بر افراشت و درکنار امپریالیستها قرار گرفت. خوب است که مردم ایران این خودفروختگان را بشناسند.

***

مصاحبه با مسلم صالح رهبر حزب دمکراتیک متحد خلق- کردستان سوریه

مسلم صالح رهبر حزب دمکراتیک متحد خلق، حزبی که با حزب کارگران انقلابی کردستان ترکیه،" پ کا کا" همکاری میکند ومنطقه کرد نشین کوبانی را تحت کنترل خویش دارد، اخیرا مصاحبه ای با روزنامه انگلیسی ایندپندت وروزنامه عربی زبان ال مونیتور پیرامون اوضاع سوریه ونقش روسیه درمبارزه علیه داعش انجام داده که اشاره به چکیده ای از ترجمه آن خالی ازفایده نخواهد بود.حزب دمکراتیک متحد خلق کوبانی ، تشکلی مستقل، سکولار وضد ارتجاعی درکردستان سوریه است که ازهمان آغاز جنگ نیابتی به منظور سرنگونی رژیم سوریه توسط امپریالیسم آمریکا وپیاده نظامش تروریستهای داعش، نه گفت و برحفظ تمامیت سوریه وحقوق دمکراتیک خلق کرد و سایر اقوام وخلقهای سوریه درچهارچوب یک کشور مستقل ودمکراتیک تاکید ورزید وبر همین اساس مورد پشتیبانی وحمایت بخش گسترده ای ازنیروهای ترقیخواه وچپ وانقلابی منطقه و جهان قرارگرفته است.مسلم صالح در هردومصاحبه بر برکناری حاکمیت بشاراسد دردراز مدت سخن گفت ، اما همزمان تاکید ورزید که اگر رژیم سوریه دراثردخالت سلفیستهای افراطی وتروریست فروبپاشد، فاجعه ای برای همگان خواهد بود.وی اظهارداشت که دولت خلافت اسلامی خطرناکترین دشمن برای کردهای کوبانیست. مسلم صالح درادامه مصاحبه اش بیان داشت که "هدف نهائی ما پیروزی برداعش است، زیرا ما با حضور داعشس فاقد هرنوع امنیت وآرامشی در منزلمان خواهیم بود". وی درپاسخ به پرسش روزنامه اینترنتی ال مونیتور ونقش روسیه درسوریه چنین بیان داشت:" عملیات نظامی اخیر روسیه علیه داعش اقدام مثبتی است. ما درکنار همه کسانیکه علیه داعش و مرام واخلاق داعشی می جنگند، قراردارایم و علیه تروریستها میرزمیم."
مسلم صالح رهبر حزب دمکراتیک متحد خلق کردستان درادامه مصاحبه می گوید" مبارزه علیه تروریسم فقط به مبارزه علیه داعش محدود نمیشود، این مبارزه شامل سایر جریاناتی نظیر القاعده، جهات انصره ویا احرار –الشام نیز میشود". مسلم صالح مطابق با چنین تحلیل سیاسی ازحملات ارتش روسیه علیه جهات النصره واحرار- ال شام درشمال غربی سوریه دفاع میکند.وی می گوید" همه این جریانات تروریستی ودارای تفکر و مرام داعشی اند. وی راه حل نهائی برای رفع اختلافات داخلی را ، آشتی سیاسی واحترام به حقوق دمکراتیک کردها وسایر اقلیتهای قومی ومذهبی بیان داشته است.

دست امپریالیسم آمریکااز سوریه کوتاه باد!

اعلامیه حزب کارایران(توفان)

نابود باد رژیم صهیونیستی اسرائیل این چماق دست امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه!

کشتارهای اخیر مردم فلسطین دربیت المقدس و تشدید رعب ووحشت وترور در مناطق اشغالی که تاکنون منجر به جانباختن بیش از ٤٠ فلسطینی وصدها مجروح شده است، ادامه کشتار و تجاوزیست که بیش از ٦٠ سال ادامه دارد. این آدمکشی اسرائیل باردیگر نشان میدهد که وی هرگز هوادار حتا دولت کوچک مستقل... فلسطینی نیست ودرپی آن است که همه سرزمین فلسطین را درسته ببلعد.مردم را کشتار کند، بی خانمان نماید، بتاراند، تبعید کند و باقیمانده را درجامعه یهودی حل نماید. این ایدئولوژی دولت اسرائیل است، ایدئولوژی صهیونیستی، نژاد پرستانه و فاشیستی که راهنمای عمل اوست.

تعرض گسترده اخیر و سیاست گشتاپوئی و میلیتاریزه کردن محیط کار وزندگی مردم و ادامه قتل کودکان فلسطینی از ماهیت خونریز وفاشیستی این نظام صهیونیستی ومتجاوز واشغالگر سرچشمه میگیرد که بکلی بی اعتنا نسبت به اعتراض خلقهای عرب و خشم مردم آزادیخواه در سراسر جهان به کشتار و سرکوب مردم فلسطین ادامه میدهد. صیهونیستها، از سوئی کودکان فلسطینی را روزانه به قتل میرسانند، آگاهانه ملتی را گرسنگی وتشنگی میدهند وسرپناه مردم را ویران میسازند ، احساسات انسانی میلیونها نفر را مورد تمسخر قرار میدهند، تروریسم دولتی وافسارگسیخته را بکار میبرند و از طرف دیگر – بیشرمانه – مدعی اند که گویا « مشغول مبارزه بر علیه تروریسم هستند »! و یا برای حفظ « ارزشهای دنیای متمدن وامنیت میجنگند!! » زهی بیشرمی!

حزب کار ایران(توفان) کشتار مردم فلسطین را محکوم می کند واین جنایت را ضد بشری دانسته و معتقد است مسئولین آنرا باید در یک دادگاه خلقی جهانی به محاکمه کشید.

حزب کار ایران(توفان) ازاعتراضات ملت فلسطین علیه اشغالگران صهیونیست قاطعانه حمایت میکند وهمگان را فرامیخواند حملات افسارگسیخته و ضد بشری رژیم صهیونیستی اسرائیل رامحکوم واز مبارزه ملت فلسطین برای رهایی ملی دفاع وابراز همبستگی نمایند .

نابود باد رژیم صهیونیستی اسرائیل این چماق دست امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه!

زنده باد همبستگی بین المللی با ملت فلسطین!

حزب کارایران(توفان)

شنبه ۲۵ مهرماه ۱۳۹٤

www.toufan.org

.....

دست اشغالگران صهیونیست از فلسطین کوتاه باد!

مقاومت جوانان فلسطینی تحسین برانگیز

رژیم نژاد پرست ومتجاوز اسرائیل قبل از روی کارآمدن غاصبان انقلاب بهمن ۵۷ وجود داشته است، سرزمین فلسطین را با ترور وتاراندن ملتی به اشغال خود در آورده، ...به اردن ومصرتجاوز کرده، بخشی از خاک سوریه ومصر را اشغال کرده وبه بعنوان غده سرطانی و چماق آمریکا درخاورمیانه عمل نموده است.پس این عربده کشیها وتهدیدات و لشکرکشیها سابقه طولانی دارد وعمرش طولانی تراز عمردستاربندان جنایتکارحاکم برایران است.توجه داشته باشید دربحبوحه جنگ عراق علیه ایران،اسرائیل فرصت را مغتنم شمرد نیروگاه انرژی هسته ای عراق را بمباران کرد. درچند سال گذشته نیز یک کارخانه غیرنظامی سوریه را به بهانه تولید سلاح شیمیائی بمباران کرد.....می بینید رژیم اسرائیل یک رژیم آدمخوار،متجاوز وفاشیست و نژاد پرست وناقض تمامی قوانین و حقوق بین الملل است که بیش از ۶۰ سال سرزمین فلسطین را به اشغال خود درآورده وهیچ انتقاد و هیچ کدام ازقوانین بین المللی را برنمی تابد.مشکل اسرائیل فقط جمهوری اسلامی نیست. مشکل اسرائیل با همه دول مسیحی وغیر مسیحی ،مذهبی وغیر مذهبی نیز است که با سیاست تجاوز کارانه اومخالفند. رژیمهای سکولارسوریه وعراق صدام حسین و لیبی قذافی.... نمونه هایی ازاین دست هستند.اسرائیل اتمی یک خطر جدی برای استقلال وتمامیت ارضی کشورهای منطقه است.

جنبش اخیرجوانان فلسطینی در شرق اروشلیم عکس العمل طبیعی تجاوزات صهیونیستی وادامه اشغال وسرکوب ملتی است که زیر بار زور متجاوزین آدمکش وجنایتکار اسرائیل نمی رود.مبارزه ملت تحت اشغال فلسطین با هر وسیله ای قابل فهم ومشروع است ونبردشان ماهیت تدافعی دارد وباید مورد حمایت همه نیروهای ترقیخواه و مبارز وانقلابی قرارگیرد. درخلال دوهفته اخیر بیش از ٦١ فلسطینی که سن اکثرشان زیر ۲۵ سال است، جان باختند وصدها تن نیز مجروح شدند. پیرامون مقاومت اخیر جوانان فلسطینی در شرق اورشلیم جمیل میزهر عضو دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین چنین گفت:

"خلق فلسطین از روند صلح بی حاصل خسته شده است و به این باور منطقی دست یافته است که شرط بقاء ما مقابله با اشغالگران متجاوز و رد تمام راه حل های تا کنونی است که بی سرانجام بوده است.آنچه ما درشرایط کنونی احتیاج داریم و ضرورت مبرم است، یک نبرد استراتژیک است. ادامه نبرد علیه اشغالگران صهیونیست تنها راه چاره است"

جمعیت یهودیان نیزطی انتشار یک اعلامیه بین المللی با بیان اینکه علل جنبش اخیر در شرق اورشلیم ریشه دراشغال بربرمنشانه صهیونیستها دارد ضمن ابراز همبستگی با ملت فلسطین چنین اظهار داشت:

"دهها سال تبعیض واشغال وسرکوب دلایل اصلی مقاومت ملت فلسطین است.تشدید میلیتاریسم وادامه سرکوب واختناق ومحاصره ملت فلسطین نمی تواند آنها را از مبارزه برای آزادی باز بدارد. بدون حل مسئله اشغال نمی توان با توسل به خشونت به حل چنین مسئله مهمی پرداخت. تنها با استقرارعدالت و برابری برای همه اهالی اسرائیلی و فلسطینی است که می توان به اینهمه درد و رنج ومصیبت پایان داد."

مقاومت ملت فلسطین وتوسل به قهرانقلابی درمقابل قهر ارتجاعی و سرکوب واختناق متجاوزین صهیونیست برحق است. ملت فلسطین حق دارد با استفاده از تمام اشکال مبارزاتی وعالیترین شکل آن یعنی نبرد مسلحانه اشغال گران صهیونیست را از سرزمینش بیرون ریزد تا به استقلال ورهائی دست یابد. جزاین راه ، راه دیگری متصورنیست.

سخنی درمورد مفهوم صهیونیسم وتفاوتش با یهودی ستیزی

دوستی درفیسبوک پرسشی درمورد تفاوت صهیونیسم ویهودی ستیزی طرح کرده وخواهان روشنگری دراین مورد شده است.حزب ما درهمین رابطه مطلبی کوتاه در پاسخ به عده ای از رفقا درایران درنشریه توفان آبان ماه ۱۳۷۵به چاپ رسانده که مجددا به خاطر اهمیت موضوع عین مطلب را منتشر میکند تا پاسخی در خور توجه به این پرسش داده باشد.

***

"صهیونیسم از نظر واژه از بلندی صهیون که در نزدیکی شهر اورشلیم است گرفته شده است **و** برای یهودیان مقدس است.
صهیونیسم جهانبینی ناسیونالیستی بورژوازی ارتجاعی و متعصب یهود است. بر اساس این نظریه امت یهود یک قوم برگزیده از نظر خداوند است که حق دارد بر دیگران فرمانروائی کند. این نظریه یک نظریه نژادپرستانه می باشد. در سال **۱۹۷۵** مجمع عمومی سازمان ملل متحد صهیونیسم را به منزله شکلی از نژادپرستی و **تبعیضات نژادی** در طی قطعنامه ای محکوم کرد. این قطعنامه در سال **۱۹۹۱** با زور صهیونیسم بین الملل و امپریالیسم آمریکا ملغی شد.

صهیونیسم میکوشد با تبلیغ نظریات خود میان کارگران یهودی و سایر زحمتکشان نفاق بیاندازد و صفوف آنها را پراکنده کند. تحت تأثیر این نظریه نژادی در جنبش کارگری، کارگران یهودی برای خود حق ویژه قائل بودند و از وحدت مبارزه طبقه کارگر علیه دشمن مشترک حمایت نمی کردند.

در سال **۱۸۹۷** جمعیتی **بنام** سازمان جهانی صهیونیسم به رهبری تئودور هرتسل بوجود آمد که هدف خود را تأسیس یک کشور یهودی در فلسطین قرار داد. وی میخواست یهودیان جهان رابه فلسطین منتقل کند. در سالهای میان۱۸۸۱ تا ۱۹۱۴ که با یهودیان در اروپای شرقی بد رفتاری میشد ۲/۵ میلیون نفر به آمریکا مهاجرت کردند. سازمانی که از آن نام بردیم دارای قدرت مالی عظیم و نفوذ سیاسی و مالی فراوان در ایالات متحده آمریکا و در عرصه جهان است.بسیاری از روسا و صاحبان و یا سهامداران بزرگ انحصارهای غول پیکر جهانی و **بانکهای** عظیم، یهودیهای صهیونیت هستند. بورژوازی یهود از این ایدئولوژی خود برای برپائی جمعیت ها، سازمان ها، **کمیته ها** استفاده کرده و میکند که **شبکه ای گسترده ای** در جهان برای کنترل و **مراقبت منافع** سرمایه داران بوجود آورده است. امروز صهیونیسم فقط نظریه ناسیونالیستی بورژوازی یهودی نیست شبکه وسیعی از ارتباطات وسیع، مؤسسات فرهنگی و مالی و گروههای تروریستی و دستگاههای تبلیغاتی برای جعل و شایعه سازی و فریب افکار عمومی می باشد. صهیونیسم به یک شبکه بزرگ تروریستی و جاسوسی در جهان بدل شده است که با امپریالیسم جوش خورده است بطوریکه مبارزه با صهیونیسم جدا از مبارزه با امپریالیسم و بر عکس ممکن نیست. مضمون صهیونیسم، شونیسم نژادپرستانه و مبارزه با جنبش کمونیستی و حمایت از بهره کشی انسان است. این بورژوازی با تحریک احساسات ناسیونالیستی و بنیادگرایانه متعصب های یهودی زیر درفش صهیونیسم با نیروهای مترقی جهان مبارزه می کند. دولت اسرائیل که سرزمینهای فلسطینی را اشغال کرده است و به قتل عام فلسطینی ها و پاکسازی اعراب در منطقه خاور میانه مشغول است سرپل امپریالیسم آمریکا در منطقه است. اسرائیل از بدو پیدایش خود با محافل امپریالیستی آمریکا پیوند مستحکم داشت و در مقابل امپریالیسم انگلستان به سکوی پرش آمریکا در منطقه خاورمیانه بدل شد تا جلوی رشد جنبش های مترقی را با اعمال نفوذ در آنها بگیرد. صهیونیسم که روی دیگر سکه نازیسم است برای مظلوم نمائی در افکار عمومی و توجیه جنایات خود به بربریت نازی ها که به کشتار یهودیان دست زدند متوسل می گردد. این امر نباید ما را دچار این اشتباه گرداند که صهیونیسم با یهودی بودن یکی است. همانگونه که لیبرالیسم بمنزله ایدئولوژی سرمایه داری با طبقه کارگر ممالک سرمایه داری یکی نیست ؛ نباید تصور کرد هر فرد یهودی صهیونیست است. چه بسیار یهودیهای قهرمانی که جان خود را در راه آزادی بشریت و بویژه طبقه کارگر از دست داده اند.

در مقابل صهیونیسم، ما با نظریه آنتی سمیتیسم یعنی یهودی ستیزی روبرو هستیم که **دشمنی** با هر چه یهودی و هر کس یهودی است میورزد و این دشمنی را تبلیغ می کند. این نظریه بخشی از ایدئولوژی نازیهای آلمان بود که به بهانه آن شش میلیون یهودی را به فجیع ترین وضعی نابود کردند. یهودی ستیزی نیز از نظر کمونیستها محکوم است زیرا وحدت طبقه کارگر را بر هم زده و آنها را بر اساس نژاد و یا مذهب از یکدیگر جدا میکند و صفوف متفرق آنها را به زیر ضربه سرمایه می اندازد. کمونیستها نه تنها بایدبا صهیونیسم مبارزه کنند، بلکه در عین حال باید یهودی ستیزی را نیز افشاء نمایند. زیرا این دو پدیده تفاوتی نداشته و دشمن وحدت طبقه کارگرند. سیاست جمهوری اسلامی در ایران که سیاست پان اسلامیستی است، سیاست ضد صهیونیستی نیست سیاست ضد یهودی، سیاست یهودی ستیزی است. کمونیستها فرقی میان کارگران مذاهب مختلف و ملیت های مختلف نمی گذارند. برای آنها تعلقات طبقاتی و مبارزه برای پایان دادن به بهره کشی انسان از انسان مهم است و بحساب می آید."

فاجعه ای که رژیم فاشیستی اردوغان مسبب آن است

امروز شنبه ۱۰ اکتبر به دعوت سندیکای کارگران انقلابی ، سندیکای کارگران خدمات اجتماعی ، انجمن معماران ومهندسین ترکیه و انجمن پزشکان ترکیه، راهپیمایی مسالمت آمیزی تحت عنوان "صلح برای دموکراسی" در آنکارا برگذار شد . این راهپیمایی تازه آغاز شده بود که ۲ بمب در صف حزب کارترکیه و حزب دمکراتیک خلقها منفجر گردید.

طبق گزارش رویتر، انفجارهای روز شنبه مرگبارترین حملات در خاک ترکیه محسوب می‌شوند. تصاویر منتشره توسط شبکه‌های تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی از این حادثه نشان دهنده تعداد زیادی اجساد و همچنین پرچم‌های به جای مانده از این تجمع است. طبق اخبار رسیده ازترکیه تا کنون بیش از ۱۰۰ نفر کشته و ۴۰۰نفر مجروح شدند. حزب کار ترکیه دولت اردوغان را مسبب این فاجعه اعلام داشت وخواهان استعفا و محاکمه سران دولت ورییس جمهور ترکیه، اردوغان گردید. سندیکاهای کارگری نیز با انتشار اعلامیه ای روزهای ۱۲و ۱۳ اکتبر را اعتصاب عمومی اعلام کردند.تا کنون ۱۵نفر از جانباختگان این عملیات تروریستی از اعضای حزب کار ترکیه اند.

حزب کارایران(توفان) ضمن همبستگی با رفقای حزب کارترکیه وهمه مبارزین ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی ترکیه این عملیات تروریستی وبربرمنشانه را شدیدامحکوم میکند وآن را توطئه ای از طرف رژیم تروریستی اردوغان این نوکر امپریالیسم آمریکا وهمدست جریان منحط وآدمخوار داعش علیه نیروهای آزادیخواه و دمکرات و بویژه کمونیستهای ترکیه ارزیابی میکند.

حزب کارایران(توفان)

۱۰ اکتبر ۲۰۱۵

www.toufan.org

اسامی ۱۵ تن از جانباختگان حزب کارترکیه: ۱- öneticisi...Şebnem Yurtman -Mersin il -۲başkanı Metin Kürklü-Merzifon ilçe -۳ Uzatmaz-Mersin Ali Deniz -٤Elif Kanlıoğlu-Mersin -٥Gökmen Dalmaç-İstanbul -٦Osman Bozacı- Rize -۷ Gökhan Akman –Uşak -۸Tedik - EMEP GYK üyesi Korkmaz -۹Mesut Mak –İzmir -۱۰Dilan Sarıkaya -۱۱Ercan Dursun Hakan -۱۲Adsız -۱۳Emine Ercan -۱٤ Canberk Bakış -۱٥Gokboru Gökhan

***

اردوغان و دولت جنگ افروزاو مسئول قتل عام در آنکارا است !

بیانیه دوم حزب کار ترکیه پیرامون قتل عام در آنکارا
در انفجار تروریستی در " راهپیمائی صلح " در آنکارا که توسط سازمانهای کارگری بر گزار شده بود حد اقل ۹۵ کشته و صدها نفر زخمی شدند.
صرفنظر از نامی که این حمله تحت آن صورت گرفته است ، نیروی پشت پرده این حمله تروریستی رئیس جمهور کشور اردوغان و حزب "عدالت و توسعه" است که سعی دارند برای حفظ و ادامه فرمانروائی شان کشور را بسوی هرج و مرج و جنگ سوق دهند .
این حکومت کاخ نشین جنگ افروز و سازمان امنیت و اطلاعات میت بود که کسانی را که در ۵ ژوئن در دیار بکر و ۲۰ ژوئیه در سوروچ دست به جنایت زدند را زیر نظر داشتند ولی برای جلوگیری از آنها عامدا دست به هیچ اقدامی نزدند. هدف از این قتل عامها و تحریک ها این است که یک سیاست رعب و وحشت بین کارگران و مردم کشور مهندسی کرده تا به حکومت خود ادامه دهند. مسلما مبارزه امروز بر علیه کشتار و بر علیه کاخ نشینان جنگ افروز حکومتی که در پشت این کشتارها قرار دارند مبارزه ای برای آینده کشور است.

اعمال تروریستی و حرکات تحریک آمیز همه مردم و تمامی نیروهای کارگری را هدف قرار داده است !

کاخ (طیب اردوغان) و دولت جنگ ، بر سیاست خود مبنی بر مداخله در سوریه و حمایت از گروههای وحشی مانند " خلافت اسلامی- داعش" و " النصرت" همیشه اصرار ورزیده اند. در حالی که روند مذاکرات بر روی مسئله کردستان را خاتمه یافته اعلام کردند ، اختلافات و درگیری ها را از طریق ایجاد حکومت نظامی ، ایجاد مناطق امن ، و محاصره شهرها تشدید نموده و کشور را بسوی فضای جنگی میکشانند. تمام نیروهای مردمی ، از کردها که خواهان وحدت بر اساس حقوق برابر هستند تا نیروهای کارگری و دمکراتیک و اتحادیه ها و رسانه ها که برای حقوق مسلم خود مبارزه و اعتصاب میکنند همه و همه مورد هدف این موج حمله ها قرار دارند. علاوه بر این ، حرکات تروریستی نه تنها توسط نیروهای حکومتی اعمال میشوند بلکه اوباشان کشور که برای جنگ در سوریه توسط همین حکومت مسلح شده اند نیز برای انجام این حرکات بکار گرفته شده اند. این سیاست دارد کشور را به یک گرداب آتش و سوریه ای دیگر تبدیل میکند.

امروز وقت آنست که همه جا به صحنه مبارزه بر علیه این موج حملات تروریستی تبدیل شود!

امروزکشور در نقطه عطفی قرار دارد ؛ ما یا باید به سیاست کاخ نشینان جنگ افروز حکومتی که حاضرند کشور را برای ادامه حکومت خود تبدیل به ویرانه ای کنند تسلیم شویم و یا پرچم مبارزه برای آینده ای دمکراتیک که در آن کارگران و مردم همه ملیت ها در کنار هم در صلح و آرامش وبرادری زندگی کنند را بر افرازیم.

اینگونه است که امروزما پرچم مبارزه را در هر گوشه این کشور بر می افرازیم و به آنهائی که میخواهند به حکومت ضد مردمی خود از طریق ترور و تحریک ادامه دهند " ایست" میدهیم. امروز وقت آنست که کارگران و مردم هرکارخانه و محل کار و هر محله را به صحنه مبارزه برای دمکراسی علیه موج حملات تبدیل کنند.

بیائید برای وادار کردن وحساب پس دادن مجرم وعامل قتل عام و توقف تحریکات و ترورهای فاشیستی متحد شویم ، بیائید پرچم مبارزه برای صلح و دمکراسی را با فراخوان اعتصاب عمومی و مقاومت توده ای بر افرازیم !

حزب کار ترکیه (امپ)

http://emep.org/en/erdogan-and-the-government-of-war-are-responsible-for-the-massacre-in-ankara

۱۱ اکتبر ۲۰۱۵

***

گزارش کوتاهی در مورد فعالیتهای حزب ما درانعکاس جنایت آنکارا و اعلام همبستگی با رفقای ترکیه

حزب ما ازهمان روز نخست خبر دریافت فاجعه تروریستی دهم اکتبر، بلافاصله بیانیه فارسی درمحکومیت این جنایت بربرمنشانه صادر کرد و ترجمه آن را در فیسبوک انگلیسی انتشار داد. صفحه فیسبوک انگلیسی توفان مملو از مطالب متنوع درابراز انزجار ازعمل تروریستی و محکومیت دولت اردوغان وهمبستگی با حزب برادر وخلق ترکیه است. اعلامیه های انگلیسی رفقای ترکیه در صفحه فیسبوک توفان نیز درج شدند.حزب ما همینطور بیانیه های رفقای دانمارک ؛ هندوستان ، فرانسه ، تونس ، جبهه آزادیبخش فلسطین ، و چند حزب دیگر را در فیسبوک انگلیسی درج نمود و بطور گسترده ای جنایات دولت فاشیستی ترکیه و از سوی دیگر مبارزات رفقای ترکیه را بازتاب داد. در پیام به گردهمائی کنفرانس بین المللی احزاب برادر در اکوادر کشتار جوانان ترکیه را محکوم نمود و با رفقای ترکیه ابراز همبستگی نمود. فعالین حزب ما هر یک به سهم خود در همبستگی وانعکاس مبارزات خلق ترکیه علیه دولت اردوغان اعلامیه های حزب کار ایران وحزب کارترکیه را درمحکومیت اردوغان وریاکاری امپریالیستهای غربی وسیعا پخش کردند.

***

پیام همبستگی و تسلیت به حزب کار (امپ) ، ترکیه

رفقای گرامی ،

حزب کار ایران (توفان) همبستگی برادرانه خود را با رفقای ترکیه که درگیر مبارزه ای پایدار و مستمر بر علیه دولت " عدالت و توسعه" هستند ابراز میدارد. ما عمیقا از حمله فاشیستی با بمب به "راهپیمائی صلح" در آنکارا اندوهناک هستیم. حزب ما ، بمناسبت کشتار بیش از ۱۲۰ رفیق و مجروح شدن ۴۰۰ مبارز، تسلیت های صمیمانه خود را به حزب کار ترکیه و به خانواده و دوستان و تمامی جنبش دمکراتیک و صلح طلبانه ترکیه اعلام میدارد. حزب برادر ما در ترکیه , حزب کار (امپ) ، ۱۶ عضو شجاع و متعهد با آگاهی طبقاتی را که هرکدام از آنها نمونه ای برای مبارزان راه برابری و صلح و عدالت اجتماعی هستند را در این جنایت از دست

داد.حزب کار ایران (توفان) حمله فاشیستی به تظاهرات آنکارا را شدیدا محکوم میکند. ما اردوغان و دولت او را مسئول این جنایت شنیع میدانیم. اردوغان میخواهد با ترور و تحریک به حکومت خود ادامه دهد. حمله فاشیستی در آنکارا جنایتی است بر علیه نیروهای دمکراتیک ، آزادیخواه ، کارگری و کمونیستی که درصف اول مبارزه برای صلح و دمکراسی و بر علیه جنگ و سیاستهای ارتجاعی عوامل امپریالیسم و صهیونیسم قرار دارند.همانطور که مبارزات و تظاهراتهای سراسری نشان میدهند ، حزب شما و نیروهای دمکراتیک و مترقی با این عمل جنایتکارانه دست ازمبارزه نخواهند کشید بلکه اراده خود برای تشدید مبارزه را مستحکمترخواهند کرد.

زنده باد مبارزه پرشکوه مردم ترکیه برای صلح و دمکراسی !
حمله فاشیستی به مردم ترکیه را متوقف کنید !
حزب کار ایران (توفان)
اکتبر ۲۰۱۵

***

شبح فاشیسم دراروپا درگشت وگذار است

لاوین اسکندر جوان بیست ساله ای که توسط یک نئوفاشیست به قتل رسید.

خبرحمله یک جوان نئوفاشیست ونژادپرست سوئدی به مدرسه کرونا در جنوب سوئد وبه قتل رساندن ومجروح کردن چندین نفر..... در سراسر جهان پیچید. شماربه آتش کشیدن اقامتگاه های پناهندگان هر روز افزایش می یابد .این فقط به کشور "سوسیال دمکراسی سوئد، این "سوگلی اروپایی" محدود نمیشود ، درسراسر اروپا شبح فاشیسم درگشت وگذار است.رسانه های امپریالیستی سوئد کر واحدی را در دامن زدن به "بحران پناهندگی، خطر ویرانسازی رفاه اجتماعی، رشد تضادهای فرهنگی، نفوذ اسلام و جنگهای قومی... وقبیله ای مذهبی".....و دامن زدن به اسلام هراسی وشستشوی مغزی افکارعمومی تشکیل داده و شرایط مناسبی را برای رشد فاشیسم وراسیسم فراهم ساخته اند. سخن از انساندوستی وهمبستگی نمی رود، سخن از علل بحران اقتصادی و بروز فاشیسم نمی رود، سخن از بحران سرمایه داری و بالا کشیدن میلیاردها یورو وکرون از قبل خصوصی سازیها و کاهش مالیاتی سرمایه داران و سودهای هنگفت نمی رود ، بجایش مدام برطبل بحران پناهندگی که گویا از آسمان فرود آمده است نواخته میشود. سخن از تجاوزات امپریالیستی وشرکت این سوگلی اروپایی در ویران سازی کشورهای خاورمیانه و تقویت نیروهای ارتجاعی و آدمکش ومتحد امپریالیسم آمریکا نمی رود ، اما تا دلتان بخواهد با تبلیغات سرسام آور سخن از هزینه سنگین!!! یک "دلار مالیات روزانه از هر شهروند شاغل"، برای نجات جان یک پناهنده که مجبور به ترک دیار شده است می رود و شبانه روز تکرار میگردد وهمین امر سبب رشد تنفر وخشونت راسیستی وفاشیستی درجامعه شده و فاجعه اخیر را آفریده است. این فاجعه ادامه فاجعه ای است که در چند سال گذشته توسط نئوفاشیست نروژی "اندرس بریویک" آفریده شد که دست به سلاخی بیش از ۷۰ نفر از جوانان نروژی زد.فاشیسم فرزند خلف نظام سرمایه داریست وکسی که این نظام را نشناسد هرگز فاشیسم را نخواهد شناخت.

طبق آمار منتشره در سال ۲۰۰۶ میلادی ، از ۱۷۷۰ ترور در اروپا ٦ ترور از سوی جریانات اسلامی بوده(۰,۳٤ درصد) و۱۵۹٦ ترور(۹۰,۲ درصد) توسط نئوفاشیستها و نژادپرستان افراطی صورت گرفته است. این درحالیست که ۹۹ درصد تبلیغات سیاسی وفرهنگی این صاحبان زرو زور سرمایه علیه مهاجرین ، بویژه مسلمانان صورت گرفته ومی گیرد.دامن زدن به فضای ضد کمونیستی نتیجه ای جز میدان دادن به جریانات فاشیستی و راسیستی درجامعه نیست. سیاستهای امپریالیستهای اروپایی در همان جهتی درحرکت است که گام به گام شرایط رشد و به قدرت رسیدن حزب ناسیونال فاشیست هیتلر را فراهم میسازد.مبارزه متحد همه کارگران و زحمتکشان ،سوای هر رنگ و ملیتی تحت رهبری احزاب کمونیستی ،علیه سرمایه داری امپریالیستی، فاشیسم و راسیسم تنها راه حل پیشگیری از میکروب فاشیسم در اروپا است.

گشت وگذاری در فیسبوک

پاسخ به چند سئوال

ضد استالینها ضد لنین و ضد اصول لنینیسم اند!

استالین را متهم به نقض دموکراسی می کنند که "یک سری از بهترین اندیشمندان و کادر های حزب را از بین برده است" و عموماً در مقابله با استالین ، لنین را "یک فرشته معصوم"! نشان می دهند که گویا ابداً دارای تفکر دیکتاتوری پرولتری نبوده و ابداً به دولت بعنوان ابزار سرکوب طبقاتی نگاه نمی کرده و قس علیهذا ... اینان که ظاهرا از لنین دفاع میکنند ولی به استالین ناسزا می گویند وازآزادی فراکسیون درحزب سخن می گویند هنوز نمی دانند ویا خود را به کوچه علی چپ میزنند که آنکس که تصمیم کنگره دهم را گرفته نسبت به حذف فراکسیونیست ها در حزب ، استالین نبود بلکه لنین آموزگار حزب بلشویک بود . آنکه مجلس موسسان را نفی کرد ، وبورژوازی در سراسر دنیا آه و ناله براه انداخت که بلشویک ها آراء عمومی را زیر سئوال برده اند ، استالین نبود بلکه لنین بود، البته استالین هم همین نظر را داشت . آنکه دستور سرکوب قیام کرنشتات را داد ، همانهائی که برای کسب قدرت سیاسی توسط خود کارگران (به اصطلاح البته) مبارزه می کردند و در این مبارزه بیش از دو هزار نفر کشته شدند و نزدیک به هشت هزار نفر فرار کردند ، و بعداز پایان مبارزه نزدیک به سیصد نفر به چوبه دار سپرده شدند ، استالین نبود بلکه لنین بود . لنین بود که دموکراسی را (البته نه فقط لنین بلکه استالین هم همینطور می اندیشید) مانند کلیه پدیده های اجتماعی از دیدگاه تاریخی اش بررسی می کرد ، و این لنین بود که می گفت: اگر تا دیروز از قانونی نمودن احزاب خرده بورژوازی سخن می گفتیم و امروز منشویک ها و اس ار ها را بازداشت می کنیم ، باید گفت که ما در این نوسانات سیستم کاملاً معینی را عملی می سازیم . استالین نبود که خواستار سرکوب بورژوازی بود ، سرکوب بی امان بورژوازی . این لنین بود واستالین هم همین نظر را داشت و دهها نمونه دیگر دراثبات این امر است که استالین دقیقا اندیشه لنین را درعمل اجرا میکرد و فلسفه لنینیسم را خود جمعبندی نمود وتحت نام اصول لنینیسم آن را دراختیار جنبش کمونیستی جهانی قرارداد.کسی که اصول لنینی را بپذیرد این اصول به دفاع از استالین ختم میشود ومارکسیسم لنینیسم ودیکتاتوری پرولتاریا پرچمش است وجز این نیست.

***

آیا می توان رویزیونیستها را کمونیست نامید؟

خیر، زیرا کمونیست کسی است که درک کند تسلط رویزیونیسم در حزب، به مفهوم تسلط دشمن طبقاتی، به مفهوم انحطاط حزب و دولت، به مفهوم انحطاط سوسیالیسم است. با رویزیونیسم نمی شود ساختمان سوسیالیسم ساخت. با رویزیونیسم نمی شود مبارزه مردم را رهبری کرد و انقلاب را به پیروزی رساند. **رویزیونیستها متحد کمونیستها و دوستان آنان نیستند**. رویزونیستها ضد کمونیستند و جائی در احزاب کمونیستی نمی توانند داشته باشند. نمی شود با برچسبهای مضحکی نظیر "سوسیالیسم واقعا موجود"، "سوسیالیسم نوع چینی"، "سوسیالیسم عربی"، "سوسیالیسم بولیواری" و... ماهیت سوسیالیسم را به مصداق "همینه که هست" تحریف کرد و بخورد طبقه کارگر داد.
استالین پیآمدهای نابودی جمهوری شوروی را برای اوضاع سیاسی جهان جمعبندی کرد و پیشگوئی نمود در شرایط پیروزی سرمایه داری بر سوسیالیسم، پیروزی رویزیونیسم بر لنینیسم چه فاجعه خوفناکی می تواند پدید آید و چه هوای مسمومی می تواند فضا را پر کند. وی ابراز داشت: "پیآمدهای درهم شکستن جمهوری شوروی توسط سرمایه چه می تواند باشد؟
دوران سیاه ترین ارتجاع بر تارک همه ممالک سرمایه داری و مستعمرات فرو می ریزد، طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم به بردگی کامل کشیده می شوند و مواضع کمونیسم جهانی نابود می شود"(آثار استالین جلد نهم صفحه ۲۹ چاپ آلمانی).
و ما مشترکا در مقابل ویرانه ای که خروشچف و همدستانش تا یلتسین از خود باقی گذاشتند هستیم.
استالین در تما م دوران زندگی پرافتخارش، با اصولیت تمام، با تمام این افکار پوسیده مبارزه نمود و با الهام از لنین می گفت که "هرگز از چیز خرد چشم نپوشید که از خرد است که کلان بر می خیزد". استالین به ایده مارکسیسم و تکامل آن به لنینیسم وفادار ماند. حمایت از استالین و تجلیل از وی، حمایت از لنینیسم، حمایت از حزبیت طبقاتی، دیکتاتوری پرولتاریا و انقلاب قهرآمیز پرولتاریائی، پذیرش اصل مبارزه طبقاتی، نفی پارلمانتاریسم بورژوائی است. حمایت از استالین یعنی پذیرش این واقعیت که جنگ طلبی در سرشت امپریالیسم نهفته بوده و مبارزه با امپریالیسم و فاشیسم، مبارزه با همه گونه انحرافات رویزیونیستی "چپ" و راست برای کمونیستها جنبه حیاتی دارد. در غیر این صورت حمایت از استالین چک بی محل است تا صورت رویزیونیستهای "استالینیست" را سرخ نگهدارد و به آنها امکان دهد رویزیونیسم را در پشت خرقه "اعاده حیثیت از استالین" بپوشانند و بر ضد طبقه کارگر و خلقهای جهان دسیسه بچینند. به همین جهت رویزیونیسم دشمن مکار و خطرناک کمونیستهاست و باید با وی مبارزه بی امان نمود.

سرنگون باد رژیم ضد کارگری وسرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!

توفان ۱۸۸ شمارهٔ آبان ماه ۱۳۹۴
ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

***

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبردعلیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی،علیه رویزیونیسم وضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کارایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید در کتابخانه اینترنتی توفان:

*توهین به مقدسات ادیان وبرخورد به تروریسم .از انتشارات حزب کارایران(توفان)
*"سیمای دیگری از استالین" نوشته "لودو مارتنس"
*تحریف کنندگان تاریخ ، سندی تاریخی از انتشارات دفتر اطلاعاتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
*درافشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دوجلد از انتشارات حزب کارایران(توفان)
* تحریف ترتسکیستی رویدادهای تاریخی – نویسنده علی رسولی
*

آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

لینک چند وبلاگ حزبی

وبلاگ توفان قاسمی

http://rahetoufan67.blogspot.se/

وبلاگ ظفرسرخ

http://kanonezi.blogspot.se/

وبلاگ کارگر آگاه

http://www.kargareagah.blogspot.se/

کتابخانه اینترنتی توفان سایت

http://toufan.org/ketabkane.htm

توفان سایت آرشیو نشریات

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

توییتر توفان در

https://twitter.com/toufanhezbkar

توفان در فیسبوک

https://www.facebook.com/toufan.hezbekar

توفان درفیسبوک به زبان انگلیسی

https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts

دست امپریالیستها وصهیونیستها ازایران ومنطقه کوتاه باد!